Archive of SID

لزوم اصلاحات مالی در بانکداری اسلامی[1]

حسین حشمتی مولایی*

نظام بانکداری اسلامی، مثل همهٔ نظام‌های مالی و اعتباری، نباید در شرایط متفاوت به صورت یک الگوی ثابت مورد پذیرش قرار گیرد.

در عین حال، یکی از اصول مهم بانکداری اسلامی، اصلاح‌پذیری مشروط است، که باتوجه به شرایط اقتصادی و یا موقعیت موضوع آن تغییر می‌نماید. در این مقاله، ما بر دو نکته تأکید نموده‌ایم:

اول، پالایش مقررات و یکسان‌سازی (استانداردسازی)، به منظور ایجاد روابطی شفاف بین بانکهای اسلامی و مؤسسات مالی و اعتباری بین‌المللی و دوم، تأکید بر رهیافت واقع‌بینانهٔ اقتصادی و خصوصی‌گرائی در مؤسسات مالی، جهت توسعهٔ شرایط رقابتی.

۱- این مقاله پژوهشی است با مطالعه موردی بانکداری در جمهوری اسلامی ایران.

*- دکتر حسین حشمتی مولایی؛ عضو هیأت علمی مؤسسه بانکداری ایران

www.SID.ir

Archive of SID

۱ـ مقدمه

در حال حاضر مؤسسات مالی اسلامی در سراسر جهان رشد قابل ملاحظه‌ای یافته‌است. اگرچه تعداد این مؤسسات اندکی بیشتر از ۲۰۰ مورد می‌باشد، لیکن دارائی‌های این مؤسسات به رقمی نزدیک به ۲۰۰ میلیارد دلار است و رشد قابل ملاحظه‌ای در حدود ۱۵ درصد در سال دارد.

این روند نشانگر نیاز مبرمی است که جهان اسلام را ناگزیر می‌سازد تا از روشهائی بهره‌برداری نماید که با هنجارهای اسلامی هماهنگی بیشتری داشته باشد. بازارهای مالی اسلامی را می‌توان با دو رهیافت شناختی مورد بررسی قرار داد:

اول: رهیافت اثباتی که طبق آن بازارهای مالی اسلامی ضرورتاً باید بتواند در ایجاد فضای خرید و فروش اسناد مالی نقش داشته باشد، بنابراین همچون سایر بازارها از نظر ساختاری، باید آن را تفکیک نمود.

بنابراین می‌توان بازارهای مالی اسلامی را نیز در چارچوب بازارهای اولیه و بازارهای ثانویه طبقه‌بندی نمود، به طوری که بازارهای اولیه، اسناد مالی تازه منتشر شده را ایجاد و در معرض فروش قرار می‌دهد و بازارهای ثانویه، اسناد مالی توزیع شده در مراحل قبلی را مورد خرید و فروش مجدد و مکرر قرار می‌دهد.

دوم: رهیافت هنجاری که طبق آن، مجاری مجاز و قانونی و شرعی برای عرضه و تقاضای این ابزارها مشخص می‌گردد. بدیهی است همانگونه که جوامع غیراسلامی برخی مجاری را مجاز و برخی را غیرمجاز تلقی می‌کنند، جوامع اسلامی نیز ناچار به رعایت اصول هنجاری مبتنی‌بر خط‌مشی‌های سیاستی خود هستند.

آنچه در این فرصت باید مورد بحث قرار گیرد، پدیدهٔ جهانی شدن و شیوه‌هائی است که در مواجههٔ بازارهای مالی اسلامی با بازارهای جهانی باید مورد توجه قرار گیرد.

پدیدهٔ جهانی شدن به نظر بسیاری از متفکرین جهان پدیده‌ای نهائی نیست، اگرچه برخی متفکرین مثل فوکویاما[1] جهانی شدن معاصر را به‌عنوان پایان تاریخ

www.SID.ir

Archive of SID

قلمداد می‌نمایند ولی باید توجه داشت که یک سیستم، در عین حال که یک روز به تقویت پیوندهای درونی خود می‌پردازد، روز دیگر این پیوندهای درونی را از هم می‌گسلد و بنابراین اگرچه جهانی شدن را باید به‌عنوان یک واقعیت دوره‌ای مورد تأمل قرارداد، لیکن تداوم این انسجام را مثل همه امور انسانی نباید ابدی تلقی کرد. به همین جهت بسیاری از متفکرین، جهانی شدن را یک پدیدهٔ نوظهور، تلقی نمی‌کنند. «بنیل سلیمان» آغاز و انجام این پدیده را در ادوار مختلف تاریخ مورد بررسی قرار داده‌است.[2]

حتی می‌توان انسجام و انهدام روابط جهان مدارانه را فراتر از آنچه «بنیل سلیمان» ذکر می‌کند، در طول تاریخ جستجو کرد.

برای مثال امپراطوری ایران در زمان داریوش کبیر، خصوصاً پس از فتح کشور لیدی و ضرب سکه دریک (Daric)، در حدود شش قرن قبل از میلاد، زمینه گسترش نوعی جهانگرائی مالی و تجاری را ایجاد نمود.[3]

همین وضعیت تا حدودی با توسعه امپراطوری رم و تصرف تدریجی کشورهای اطراف مدیترانه در حدود قرن سوم و دوم قبل از میلاد مشاهده می‌شود.

قرنها بعد، با ظهور اسلام و سپس گسترش حکومتهای اسلامی در سدهٔ سوم هجری (نهم میلادی)، رواج تجارت بین‌المللی در حوزه مدیترانه و سایر بلاد، پول دینار اسلامی را همچون یک ارز بین‌المللی قوی، وسیله مبادله قرار می‌دادند و این مرحله احتمالاً سومین مرحله از جهانی شدن را یادآور می‌شود.

همچنین پس از جنگهای صلیبی و نوزائی یا رنسانس اروپا، چندمین مرحله از جهانی شدن را به خاطر می‌آورد، زمانی که نیاز به انسجام روابط بین‌المللی، پول پایه کاغذی[4] را بطور وسیعی و به ویژه بعد از کنفرانس برتون وودز[5] گسترش داده، منجر به نظامی جهانی گردید که سیستم پایه ارز (ESS) در واقع به‌عنوان محور اصلی این گرایش عمل کرد. اکنون نیز به نظر می‌رسد که استانداردهای مالی با جهش بین‌المللی دیگری مواجه است و به همین جهت شیوع روشهای مبادلاتی به شکلی جدید، مفهوم جهانی شدن را مجدداً تداعی می‌نماید.

www.SID.ir

Archive of SID

تحول جدید، مبتنی‌بر یک فناوری الکترونیکی است که مبادلات مالی بین‌المللی را در ظرفی جدید قرار می‌دهند ولی هرگز این انسجام، پایان راه تکاملی بشر نخواهد بود و معلوم نیست که فرایند تشکیل و انهدام سیستم جدیدتر، در چه فاصله زمانی دیگری صورت خواهدگرفت. با این همه آنچه برای جوامع اسلامی امروز مهم است شناخت شیوه‌های ورود به فضای مبادلات الکترونیکی و تعامل با پدیدهٔ جهانی شدن معاصر است.

بطور کلی در این چالش، دو عنصر مهم را نباید نادیده گرفت، یکی شناخت استانداردهای قابل کاربری در فنّاوری الکترونیک که زمینه ارتباط را مهیا می‌نماید و دوم توجه به فضای رقابتی مناسب برای شکوفائی ابزارهای استاندارد شدهٔ مالی اسلامی. به این ترتیب می‌توان هر یک از این دو مقدار را بطور مجزا به این شرح مورد بحث قرار داد:

۱ـ شناخت استانداردهای مالی اسلامی

اولین گام برای ورود به شبکه جهانی مبادلات الکترونیکی، استانداردسازی تعاریف عملیاتی است. فن‌آوری الکترونیک عملیات مالی، که امروزه تحت‌عنوان انتقال الکترونیکی وجوه (E.F.T.)[۶] مطرح می‌شود، دستور انتقال پول و دارائی‌های مالی با استفاده از رایانه و اجزای الکترونیکی است.

ریشهٔ تاریخی (EFT) از لحاظ فنی به دوران بعد از جنگ جهانی دوم یعنی دوران اولیه توسعه فن‌آوریهای رایانه‌ای باز می‌گردد، ولی ظهور این پدیده به صورت یک روش نوآورانه، بیشتر به سال ۱۹۷۰ میلادی مربوط می‌شود که کارتهای اعتباری به‌عنوان یک وسیله جدید جایگزین پول، رواج چشمگیری پیدا کرد.[۷]

بعد از این سالها، مهمترین نظریه‌های علمی در رابطه با انتقال الکترونیکی وجوه توسط «فلازی» و «جافی»[۸] (۱۹۷۳)، فیلیپس[۹] (۱۹۷۹) و بانک فدرال رزرو و یوستن[۱۰] (۱۹۷۴) ارائه شده‌است.

www.SID.ir

Archive of SID

در نهایت ملاحظات مختلف و به‌خصوص توجه به رهیافت‌هائی اثباتی در رابطه با نقش EFT در سیاستهای بخش عمومی، منجر به ملاحظهٔ رهیافت‌هائی هنجاری و تصویب قانون EFT[11] در سال ۱۹۸۸ گردید.

خوشبختانه مراکز مالی اسلامی با تحولات پیش گفته واقع‌بینانه برخورد نموده‌اند و اگرچه در حال حاضر استانداردهای عملیاتی و مالی اسلامی هنوز شکل نگرفته و هر کشور از قوانین رایج خود استفاده می‌نماید. با این همه به نظر می‌رسد که تاکنون کوشش‌هائی به منظور یکنواخت‌سازی عملیات مالی در جهان اسلام صورت گرفته‌است.

سازمان حسابداری و حسابرسی مؤسسات مالی اسلامی یا (AAOIFI[12]) ظاهراً یکی از اولین مؤسساتی است که هدف اصلی آن گسترش استانداردهای حسابداری و حسابرسی برای مؤسسات مالی اسلامی با توجه ویژه به هماهنگی و کاربری این استانداردها با مقررات بین‌المللی است.

به همین منظور تاکنون همایش‌های متعددی توسط سازمانهای مالی اسلامی مثل IDB[13] و AAOIFI و نیز صندوق بین‌المللی پول (IMF)[14] بعد از سال ۲۰۰۰ توسط کشورهای اسلامی تشکیل گردیده‌است.

همایش «مقررات بانکداری اسلامی» که در تاریخ ۸ و ۹ فوریه ۲۰۰۰ در بحرین تشکیل شد برای دستیابی به این استانداردها، تأسیس شورائی تحت‌عنوان «هیأت خدمات مالی» (FSB)[15] را پیشنهاد نمود.

درهمین حال در کنفرانسی که تحت‌عنوان «چالش امت اسلامی در هزارهٔ نوین» در اواخر سال ۱۳۷۹ با شرکت ۲۰۰ تن از کارشناسان و مسئولان بانکداری اسلامی در کوالالامپور پایتخت مالزی برگزار شد، مسئله یکسان‌سازی مقررات و استانداردهای مالی در آستانه جهانگرائی مورد تأکید قرار گرفت.[16]

بطور کلی در این همایش‌ها و نیز فعالیتهای آتی دو هدف عمده باید مورد تأکید قرار گیرد:

www.SID.ir

Archive of SID

اول ـ گسترش ابزارهای بازار پولی و سرمایه برای کنترل و نظارت پولی و مالی مؤثر و مدیریت کارآی نقدینگی و سرمایه‌گذاری، بطوری‌که این ابزارها انطباق لازم را با روشهای مالی اسلامی داشته باشد.

دوم ـ ترجمه‌پذیری براساس استانداردهای بانکداری مترادف جهانی، به نحوی که بتوان حداقل در شرایط خاص ارتباط رایانه‌ای با بانکداری و مؤسسات مالی جهانی را همچنان برقرار نمود. این اقدامات بدون اعتقاد به مبانی نظری مناسب و یا تحول در ذهنیت سنتی نسبت به فضای رقابت مالی چندان مؤثر نخواهدبود، بنابراین بحث بعدی ما بیشتر پیرامون اصلاحات نظری در رابطه با رقابت خواهدبود.

۲ـ اصلاح ساختار رقابت مالی

شفاف‌سازی استانداردهای عملیاتی و مالی تا زمانی که بازیگرانی مناسب وجود نداشته‌باشند، به راحتی قابل ارتقاء نخواهدبود، زیرا استانداردهای عملیاتی و مالی باید قابلیت و استحکام خود را در عمل و در یک وضعیت آزاد رقابتی تحصیل نمایند. ممکن است در تئوری، ارائه استانداردهائی مبتنی‌بر تسهیلات مالی چون مزارعه و مساقات بسیار جذاب باشد ولی در عمل بسیاری از روشها، غیرشفاف و غیرعملیاتی بوده، بنابراین نهایتاً حذف و یا مورد استقبال بیشتر قرار خواهدگرفت، ولی تا زمانی که آزادی عمل بازیگران بازار فراهم نشده‌باشد، به سختی می‌توان در مورد ارزیابی عملیات مالی و بانکی و یا کارآئی استانداردهای خاص آن اظهار نظر نمود. اگرچه شرط اول برای ارتباط با جریان جهانگرائی، فراهم‌سازی استانداردهای مشترک اساسی است به نحوی که بتواند علاوه بر پذیرش فقهی مذاهب اسلامی، عرف معمول مبادلات بین‌المللی را نیز پاسخگو باشد، لیکن شرط مهم‌تر یعنی آزادسازی مدیریت رقابتی را نباید نادیده گرفت.

پس دومین گام برای ورود به فضای جهانی بانکداری، رقابت‌پذیری، یعنی کوشش برای ایجاد و تقویت بانکهای خصوصی سالم، انحصارزدایی و تجدید نظر در

www.SID.ir

Archive of SID

سازمان و مدیریت بانکهای دولتی است. البته باید تأکید نمود که ورود عجولانه به فضای رقابتی، بدون ملاحظهٔ اصول بانکداری، ممکن است ما را با دشواریهای دیگری مواجه سازد، زیرا همواره باید توجه داشت که فرایند توسعه مالی، همزمان با حداقل‌سازی رانت‌خواری و نه جابجایی آن، حاصل خواهدشد. این اشتباه روش شناختی، یعنی رهاسازی بازارهای پولی و مالی به بهانه ایجاد رقابت و بازگذاشتن دست انحصارهای مالی، در واقع چالشی است که بقای برخی جوامع را در یک دور و تسلسل فقر، همچنان تداعی می‌نماید.

بنابراین قبل از اینکه امکانات و زمینه‌های احیاء رقابت بانکی و مالی را نقد و بررسی نمائیم، لازم است که دکترین رقابت مالی را در پرتو گرایش‌های اقتصادی مورد تجلیل بیشتری قرار دهیم:

۱ـ دکترین سنتی رقابت مالی[۱۷]

می‌توان گفت که نگرشی سنتی بانکداری اسلامی، بطور محسوس تحت‌تأثیر مکتب اقتصاد کلاسیک است. دکترین کلاسیک اقتصادی که نهایتاً منجر به طرح نظریه مقداری شد، با تأکید بر مسئله رقابت کامل به عنوان یک مقولهٔ ذاتی و ماندگار، پول را با یک تعریف سادهٔ معاملاتی مطرح می‌سازد. این طرز تفکر که از زمان ارسطو ادامه داشته و براساس ادبیات دوران پایه فلز شکل گرفته، پول را صرفاً وسیله‌ای برای مبادله تلقی می‌کند. طبق گفته ارسطو[۱۸(۱)]:

> «رباخواری به حق زشت‌ترین کارهاست، زیرا سودی که از آن حاصل می‌شود، از خود پول بر می‌خیزد نه از چیزی که پول از برای آن ساخته شده‌است. پول اصلاً برای (آسان کردن) کار مبادله به وجود آمد»[۱۹].

اگرچه دلیل زشتی ربا، مرتبط با دلایل ارائه شده توسط ارسطو نیست ولی،

1- Aristotle (322-384 b.c.)

www.SID.ir

Archive of SID

ارسطو درعین حال نظریه مخالفی را که حتی در آن زمان وجود داشته‌است، حذف نکرده و می‌گوید:

«... پول وسیله بازرگانی و سوداگری است، جمعی دیگر در مخالفت با این نظر برآنند که پول چیزی بر ساخته و اعتباریست، زیرا اگر کسانی که آن را به کار می‌برند، از رواجش بیندازند، دیگر ارزشی نخواهدداشت»[۲۰].

بنابراین به نظر می‌رسد که حتی ارسطو، در عین حال که پول را به‌عنوان یک مقدار جریانی (Flow) در نظر می‌گیرد ولی از نقش ذخیره‌ای (Stock) آن حتی به‌عنوان یک نظر مخالف، غافل نیست.

با این حال دکترین مسلط بر نظام مبادلات پولی و اعتباری در غرب تا اوایل قرن بیستم همچنان در پرده‌ای از ابهام باقی ماند و به همین دلیل مراجع کلیسا نیز هر نوع بهره را تحت‌عنوان «ربا» مورد نکوهش و تحریم قرار می‌دادند. این رهیافت ارسطوئی حتی برخی متفکرین در جهان اسلام را نیز تحت‌تأثیر قرار داده‌است، بطوری که «ابوحامد محمد غزالی» می‌گوید:

«... ذخیره کردن پول و همچنین ربا گرفتن از پول به معنی این است که انسان پول را مطلوب با لذات خود قرار داده‌است. ربا این است که انسان می‌خواهد به وسیله پول، پول ایجاد کند»[۲۱].

در این مورد نیز آنچه انگیزه رباخواری است، صرفاً دستیابی به خود پول نیست، بلکه تحقق مصارفی است که با پول امکان‌پذیر می‌شود. گذشته از این علت اصلی تحریم ربا در مذاهب را نمی‌توان «ایجاد پول بوسیله پول» و یا «ذخیره‌سازی پول» قلمداد نمود، بلکه در بسیاری روشهای مجاز شرعی مثل مضاربه، دارندهٔ پول می‌تواند از طریق پول، پول بیشتری ایجاد و ذخیره نماید و مذاهب عموماً واکنشی نسبت به آن نداشته‌اند. به نظر می‌رسد که دیدگاه سنتی فیلسوفان یونان قدیم، که بعداً میراث خود را به کلاسیک‌ها دادند، برخی از متفکرین جهان اسلام را نیز، بیش از این

www.SID.ir

Archive of SID

دچار ابهام نموده‌است، بطوری که گاهی کسانی دیده می‌شوند که حتی مضاربه و اجاره را نیز نوعی عمل ربوی و استثماری تلقی می‌کنند و این تأثیری است که دکترین اقتصاد کلاسیک ناشی از تفکر یونان قدیم در اذهان ایجاد نموده‌است.

آنچه از یونان قدیم توسط کالونیستها به اقتصاددانان کلاسیک رسیده‌است، تصویری ایستا در مورد رقابت، نرخ بهره و اشتغال است. از نظر کلاسیکها، نرخ بهره بر مبنای فرض وجود رقابت آزاد، به‌عنوان عنصری دائمی، و بر اثر اصطکاک بین عرضه‌کنندگان و تقاضاکنندگان منابع استقراضی[1] تعیین می‌گردد.[22] بنابراین مبدأ مباحث مربوط به نظریه بهره در اقتصاد کلاسیک، فرض وجود دائمی رقابت کامل است. در این وضعیت افراد باتوجه به فرض شفافیت اطلاعات و فرض قدرت پیش‌بینی از بازده سرمایه‌گذاری، برخی عرضه‌کننده تسهیلات اعتباری و بعضی تقاضاکننده تسهیلات اعتباری و یا وام می‌گردند و در این حال عرضه و تقاضای تسهیلات، نرخ بهره را نیز همانند دیگر قیمتهای نسبی مشخص می‌سازد. در صورتی که عرضه و تقاضای منابع استقراضی را طبق نمودار (۱) با منحنی‌های S_l و D_l نمایش دهیم، می‌توان ملاحظه نمود که در این نگرش سنتی، تولید (T) باتوجه به فرض رقابت کامل، ثابت است و در عین حال گردش پول (V) نیز باتوجه به عوامل فنی و عادات مردم، در حالات عادی غیرقابل تغییر فرض می‌شود، بنابراین هرگونه تغییر در مقدار پول (M)، اگرچه ممکن است در یک دورهٔ زودگذر موجب کاهش نرخ بهره گردد، لیکن بلافاصله با افزایش قیمتها (P) مواجه خواهدشد و در این حال، نرخ بهره نیز همچنان در جایگاه قبلی خود قرار خواهد گرفت (نمودار ۱).

بنابراین طبق نظریات سنتی، سیاستهای پولی و بانکی نقش قابل ملاحظه‌ای در تحول معادله مبادله یعنی:

$$MV = PT$$

نخواهدداشت و این معادله همواره به‌عنوان یک اتحاد تلقی خواهد شد.

1- Loanable Fund

www.SID.ir

Archive of SID

نمودار (۱)

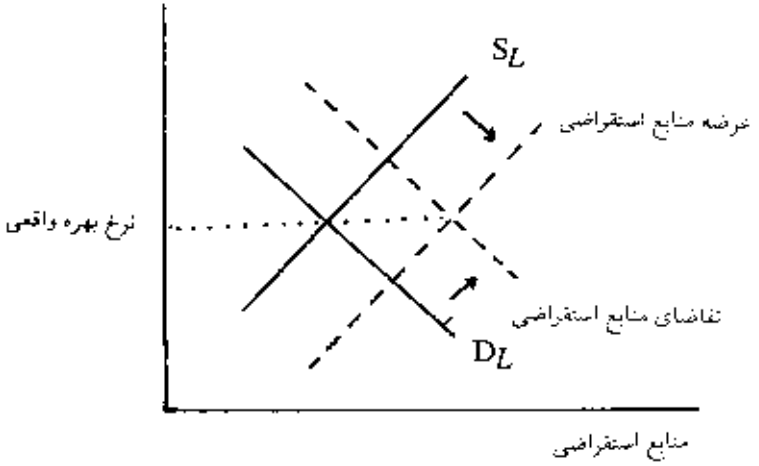

البته آنچه در این میان قابل ملاحظه است فرض تغییرناپذیری رقابت است، که در نظریه مقداری، همچنان در موقعیتی ایستا و لایتغیر، تصور می‌گردد. نهایتاً این تلقی واقعی فرض شده، از نرخ بهره، هرگونه تعریف دیگر از پول را مورد تهاجم قرار می‌داد، بطوری که در بازتاب اخلاقی نظریه، آنچه خارج از عملیات واقعی، و مبتنی بر عملیات پولی غیرمرتبط با عرضه و تقاضای واقعی کالاها و خدمات، و یا عملیاتی برای حفظ ارزش واقعی یک پس‌انداز، صورت می‌گرفت، عملی بیهوده، ربوی و یا ظالمانه تلقی می‌شد.

این طرز تفکر تا قبل از رنسانس مورد حمایت کلیسا بود و مذهب کاتولیک باتوجه به اصول ارائه شده توسط روحانی معروف مسیحی «سن توماس اکویناس»[1] و باتوجه به این استدلال که بهره بر خلاف اجاره، بهای زمان می‌باشد و این عنصر فقط متعلق به خداست، دریافت هرگونه بهره را غیرمجاز و حرام تلقی می‌نمود.

چنین وجه نظری به تدریج موجب شد که فئودالها و رانت‌خواران یهود، مراکز مالی و بانکها را در جوامع مسیحی در اختیار گیرند و از این طریق با انحصار بازارهای

1- Saint Thomas Aquians

www.SID.ir

Archive of SID

پول و سرمایه، سیطره خود را بر بازارهای واقعی گسترش دهند، سیطره‌ای که به نظر می‌رسد تاکنون نیز بازارهای پول و سرمایه را در اختیار دارد.

متأسفانه طرز تفکر و روش کلیسای کاتولیک در مقابله با مشکلات ناکارآیی اقتصادی، با این تصور واهی که رقابت کامل یک مفهوم اثباتی و همیشگی است موجب تشدید بیشتر مشکل و نابودسازی ناخودآگاه رقابت در بازار پول شد، و همچنین با همین استدلال که اشتغال نیز همواره در وضعیت کامل قرار دارد، جوامع اروپایی را در یک بحران غیرمترقبه قرار داد.

در همین حال قشرهای سودجو و رانت‌خواران فئودال از این تصور موهوم به نفع خود بهره می‌بردند، در حالی که فقر، فساد و تبعیض بطور روزافزون جوامع مسیحی را مورد تهدید قرار می‌داد.

این بحران تا قبل از مواجهه اسلام با مسیحیت، یعنی دوران جنگ‌های صلیبی ادامه داشت، لیکن تعامل بین جوامع اسلامی و مسیحی موجب شد تا متفکرین غربی با روش منطقی‌تری به مسائل نگاه کنند و از آن میان روحانی اصلاح‌طلب مسیحی، یعنی جان کالوین[1]، براساس فتوای معروف خود، بین بهره (Interest) و ربا (Usury) تفاوت گذاشت و به این ترتیب است که همزمان با کشف آمریکا، دوره جدید با پیشرفت تدریجی تجارت و داد و ستد در سواحل دریای مدیترانه، بخصوص در ونیز (Venice) و فلورانس (Florance)، رقابت جهان تازه‌ای گرفت.

با ازدیاد بانکداران حرفه‌ای، و استفاده روزافزون از خدمات مالی و بانکی، راههای جدید در این نواحی ساخته شد و روابط بازرگانی بین شرق و غرب، انقلابی را در صنعت و فن‌آوری ایجاد کرد که امروزه آن وضعیت را تحت‌عنوان نوزائی یا «رنسانس» گرامی می‌داریم

اگرچه با ملاحظهٔ فتاوی علمای اسلامی، نمی‌توان دقیقاً مجاز بودن تمامی شکلهای بهره را آن‌گونه که در غرب متداول است مورد تأیید قرار داد، لیکن به نظر

1- John Calvin

www.SID.ir

Archive of SID

می‌رسد یک جریان سنتی با تکیه به دلایل غیرمنصوص و یکسان‌نگری مطلق بهره و ربا، رقابت را در بازارهای پولی اسلامی مورد تهدید قرار می‌دهد، بدون اینکه عواقب رانت‌خواری‌های بزرگ و ویران‌کنندهٔ آن را مورد ارزیابی و شناسائی قرار دهد. گاهی مشاهده می‌شود که بعضی متفکرین در جهان اسلام حتی به صورت خیرخواهانه و با تفسیری غلط از بهره و ربا، هرگونه بازار پولی را در جهان اسلام مورد نفی قرار می‌دهند و شاید عواقب آن را آنگونه که حتی خود ترسیم می‌کنند، ملاحظه نمی‌کنند. انور اقبال قریشی می‌گوید:

«پول تنها به‌عنوان وسیله مبادلهٔ کالاها و خدمات باید منظور شود و در واقع فی نفسه بی‌ارزش است»[۲۳]

براساس همین تلقی، هرگونه پاداش متعلق به پس‌انداز نیز غیرقابل قبول است، اقبال قریشی می‌نویسد:

«من شخصاً فکر می‌کنم آنچه علاوه‌بر پس‌اندازهایمان در بانکها به ما تعلق می‌گیرد، همان بهره (ربا) است»

و به این ترتیب با یکسان‌نگری بهره و ربا می‌گویند:

«تمام بانکهای فعلی با دو تغییر می‌توانند در حکومت اسلامی فعالیت کنند: الف) به سپرده‌گذاران خود هیچ بهره‌ای نپردازند. ب) از مشتریان خود هیچ‌گونه بهره‌ای دریافت نکنند و هزینه‌های اداری و جاری بانکی نیز باید به عهدهٔ دولت باشد»[۲۴].

همانطور که ملاحظه می‌شود، طرز تفکر سنتی بانکداری اسلامی، خود به خود با چالشی مهیب، یعنی دولت‌گرائی افراطی و پس از آن با چالشی مهیب‌تر یعنی ظهور رانت‌خواران غول‌آسا و تشدید تصاعدی فقر و فساد مواجه خواهدگردید. به طور کلی مشخصه‌های بازارهای مالی سنتی را می‌توان به ترتیب زیر قلمداد نمود:

الف) رقابت‌زدائی خصوصی و گرایش به دولت‌گرائی مطلقهٔ مالی و بانکی

ب) ایجاد مقررات و موانع غیراقتصادی بین عرضه‌کنندگان و تقاضاکنندگان

www.SID.ir

Archive of SID

منابع اعتباری

ج) تقویت رانت‌خواری از طریق تضعیف عملیات واقعی و جایگزینی عملیات تکلیفی

د) تخریب سازمان و تخصص بانکی و تبدیل آن به دفاتر خزانه‌داری دولتی

البته باید توجه داشت که کاهش کارآئی و رقابت در سیستم بانکی را نباید با کاهش کارآئی و رقابت در دیگر بخش‌های اقتصادی مقایسه نمود زیرا سیستم بانکی به مثابه قلب و سایر بخش‌ها به منزلهٔ بافتهای بدنهٔ اقتصادی کشور به شمار می‌رود، کاهش کارآئی قلب بلافاصله کلیه بافتها را دچار آسیب خواهدنمود، در حالی که آسیب‌پذیری یک بافت یا بخش اقتصادی، در صورتی که سلامت سیستم بانکی حفظ شده‌باشد، قابل ترمیم خواهدبود.

۲ـ دکترین واقعی رقابت مالی

برخلاف دکترین سنتی بانکداری اسلامی که به نظر می‌رسد تحت‌تأثیر کلاسیک‌ها است، دکترین رشدآمیز بانکداری با تکیه به مفاهیم اساسی اقتصاد اسلامی، که خود بر نظریات فلسفی و اقتصادی بعد از رنسانس و بخصوص برخی اصلاحات اجتماعی در اروپا و نیز نظریات نوکلاسیک‌ها و حتی کینزین‌ها بطور غیرمستقیم مؤثر بوده‌است، با دیدگاهی اصلاحی مسئله بهره را مورد تفسیر قرار می‌دهد.

البته به نظر می‌رسد که مهمترین تحول تفکر اقتصادی بعد از کلاسیک‌ها، شکست بدعت بزرگی بود که براساس فرض وجود رقابت کامل و به دنبال آن ثبات خیالی اشتغال کامل، نوعی انجماد فکری و نتیجتاً رکود اقتصادی را ایجاد می‌نمود. با خاتمه یافتن بحران عمومی سرمایه‌داری غرب و اتمام جنگ بین‌الملل اول و دوم که خود معلول همان بحران بود، مشاهده می‌شود که اقتصاددانان ناچار به رویارویی با واقعیات شدند، بطوری که این تحول به عنوان یک نوزائی دیگر بعد از نوزائی اول یعنی

www.SID.ir

Archive of SID

رنسانس به حساب می‌آید. مسئله مهم در این نوزائی فکری، سقوط برج عاج تئلیث تعادل عمومی، رقابت کامل و نرخ بهرهٔ واقعی بود.

همانطور که می‌دانیم در تفکر جدید نرخ بهره یک متغیر واقعی فرض نمی‌شود، بلکه باتوجه به اینکه این نرخ بوسیله مکانیسم‌های پولی، یعنی از طریق عرضه و تقاضای پول و بخصوص پول غیرفلزی، یعنی پول اعتباری تعیین می‌گردد، نمی‌توان آن را صرفاً وسیله مبادله تلقی نمود، بلکه در بانکداری و نظام جدید مالی، پول پایه کاغذ[1] یا پایه الکترونیک[2]، پول علاوه‌بر وسیله‌ای برای مبادلات، در عین حال وسیله‌ای برای انباشت ارزش و دارائی نیز محسوب می‌شود.

این تفکر که تحت عنوان مکتب کینزی یا مکتب نوکینزی نامیده می‌شود، با طرح تقاضای مؤثر[3] تحلیل‌های مربوط به تعادل، رقابت، اشتغال و نرخ بهره را با شیوه‌ای واقع‌بینانه‌تر مورد بررسی قرار می‌دهد.

اکنون نگرش جدید نسبت به نرخ بهره تا حدود زیادی اصلاح شده و با توجه به «نسبی فرض نمودن تعادل»، «رقابت همراه با بیکاری» و نیز «پولی فرض نمودن نرخ بهره»، به نظر می‌رسد موضوع نرخ بهره از یک مفهوم ایستا و اصطلاحاً «ریامدار» خارج و به صورت یک مفهوم پویا، اصلاح‌گر، ربا گریز و به عبارت دقیق‌تر «ابزاری» تغییر یافته‌است.

به نظر نویسنده کشف کاربرد جدید نرخ بهره بی‌شباهت به کشف کاربرد «واکسن» در علوم پزشکی نبوده‌است، زیرا محتوی واکسن، فی‌نفسه، یک محتوی مضر و خطرناک است. لیکن در صورتی که بتوان از آن برای تحرک و آمادگی بدن در مقابل یک بیماری واگیر، بهره‌برداری نمود، بکارگیری آن ـ البته در حد لازم ـ نه‌تنها کراهتی نخواهدداشت بلکه ممکن است یک امر واجب شرعی نیز محسوب شود.

برای اینکه موضوع روشن‌تر شود، لازم است تاحدودی در این مورد توضیح

1- Paper Standard
2- Electrocic Standard
3- Effective Demand

www.SID.ir

Archive of SID

دهیم. همانطور که اشاره شد در نظریات سنتی، سرعت گردش پول (V) ثابت فرض می‌شد، در حالی که طبق نظریه پردازان جدید با توجه به ارزش ذخیره‌ای پول، این شیء دارای ارزش مالی را به‌عنوان یک دارائی نیز تلقی نمودند و بدیهی است این مسئله مغایرتی بانظر فقهای اسلامی و حداقل رأی مشهور فقهای اسلامی ـ از ابتدای ظهور اسلام تاکنون ـ نداشته است.

البته در یک دوره کوتاه، به خصوص در زمان معاصر و شاید تحت‌تأثیر تهاجم نظریات مارکسیستی، برخی متفکرین اقتصاد و بانکداری در جهان اسلام، دچار یک چالش بزرگ شدند و آن برابرسازی مطلق مفهوم بهره و ربا بوده، که خوشبختانه می‌توان گفت فقهای اسلامی عموماً تحت‌تأثیر این لغزش قرار نگرفته‌اند.

در بسیاری از ادبیات بانکداری اسلامی، به خصوص ادبیات معاصری که در غرب تهیه شده و یا به زبان لاتین نوشته می‌شود، بانکداری اسلامی تحت‌عنوان: «بانکداری بدون بهره»[1] معرفی شده‌است، در حالی که باتوجه به آنچه خواهد آمد، مفهوم بهره و ربا متجانس نیست و بنابراین ارائه بانکداری اسلامی اگرچه تحت‌عنوان «بانکداری بدون ربا» قابل دفاع است، لیکن ارائه آن تحت‌عنوان «بانکداری بدون بهره» هم برای متفکرین داخلی و هم برای متفکرین خارجی مشکل ایجاد می‌کند و محققین اقتصاد و بانکداری اسلامی نباید نسبت به این مسئله بی‌تفاوت باشند.

طبق تعریف «یوجین ا. دیولیو»[2] به‌عنوان یکی از معروفترین متفکرین اقتصادی در غرب، بهره «Interest» عبارتست از «اجرتی که واحدهای دارای مازاد درآمد، بابت عرضه وجوه مالی از واحدهای دارای کسری درآمد، دریافت می‌دارند».[3] بنابراین بهره به سه صورت ممکن است تحقق پذیرد:

۱ـ بابت وام دادن پس‌انداز پولی

۲ـ بابت تنزیل ارزش اسمی اسناد اعتباری

1- Interest-Free Banking

2- Eugine A. Diulio

www.SID.ir

Archive of SID

۳ـ بابت سرمایه‌گذاری یا شرکت در سرمایه‌گذاری

این طبقه‌بندی از مفهوم بهره را همچنین می‌توان در فرهنگ حسابداران، تألیف «اریک کهلر» نیز مشاهده نمود.[۲۶] در هر حال در نگرشی بانکی و مالی اسلامی، نمی‌توان هر سه شکل فوق را غیرشرعی به حساب آورد، زیرا ابزارهای اعتباری یا اسناد بهادار و اوراق تجاری که مفاد آن حاکی از بدهی ناشی از معادلات واقعی باشد، براساس نرخ بهره توافقی قابل معامله است.[۲۷]

همانگونه که در نمودار ۲ مشاهده می‌شود، موضوع بهره را نمی‌توان مطلقاً ربوی به حساب آورد، در حالی که می‌توان بخشی از بهره را همچنان به صورت ربوی در نظر گرفت:

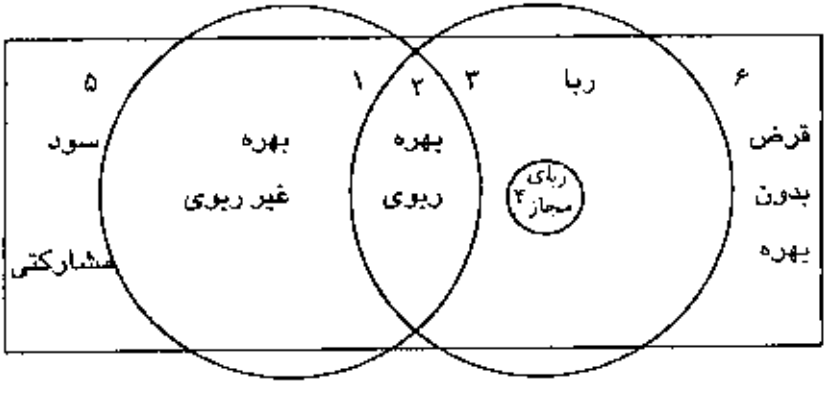

نمودار ۲ـ بهره و ربا

حتی طبق نمودار ۲، بخشی از ربا، در حالی که دارای ساختار ظاهری «ربا» می‌باشد، لیکن به‌عنوان ربا تلقی نمی‌شود (ناحیه ۳)، مثل ربا بین پدر و پسر و یا شکل‌های دیگری که از حوصله این مقاله خارج است[۲۸] و اصولاً می‌توان آن را تحت‌عنوان «بهره استراتژیک» با نقشی صرفاً ابزاری مورد تأمل قرار داد.

در عین حال بخشی از بهره می‌تواند مورد استفاده وسیع قرار گیرد (ناحیه ۱) و از این نظر با ابزارهای مالی و بانکی در غرب مشترک است و به نظر می‌رسد رقابت و

www.SID.ir

Archive of SID

تعامل استراتژیک بانکداری اسلامی با بانکداری غرب در فرایند جهانی شدن، باید از این نقطه شروع شود. عملکرد بازارهای مالی در ایران نشان می‌دهد که این ابزار در حال حاضر بخش اعظم عملیات بانکداری را پس از اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا (بهره) مصوب سال ۱۳۶۲ فرا گرفته‌است.

آزمون آماری

با نگرش تخصصی به عملکرد بازارهای مالی در ایران، مشاهده می‌شود که در سالهای بعد از اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا (بهره) مصوب ۱۳۶۲، بخش عمده عملیات مالی در بازار در اختیار سیستم بانکی بوده‌است و نکته مهم طبق شواهد آماری، گرایش قابل ملاحظهٔ بازار مالی به سمت ابزارهای قابل رقابت و مورد پذیرش روابط بین‌المللی، یعنی ابزارهای اعتباری (B) است، در حالی که ابزارهای بدهی (Q) و ابزارهای مشارکتی (S) به تدریج نقش خود را در بازارهای مالی از دست می‌دهد.

جدول ۱ـ مانده تسهیلات مبتنی‌بر ابزارهای مالی در سالهای ۷۸ـ۱۳۶۳

درصد

obs	S	B	Q
1363	37.70000	51.50000	10.80000
1364	39.70000	48.20000	10.80000
1365	38.70000	48.20000	11.60000
1366	35.30000	52.30000	10.60000
1367	31.10000	55.70000	9.700000
1368	30.60000	59.70000	7.500000
1369	30.60000	61.62000	5.700000
1370	33.60000	59.80000	4.200000
1371	33.20000	59.80000	3.600000
1372	32.30000	58.70000	4.600000
1373	31.40000	59.50000	4.400000
1374	30.80000	58.50000	4.700000
1375	32.90000	56.10000	4.500000
1376	25.20000	63.60000	4.600000
1377	20.60000	65.80000	5.900000
1378	20.80000	68.70000	4.600000

www.SID.ir

Archive of SID

روند تخصیص تسهیلات در بازارهای مالی در سالهای ۷۸-۱۳۶۳، به نحوی است که حتی پس از گسترش بانکهای خصوصی و مؤسسات اعتباری و مالی در آینده و تشدید شرایط رقابتی، می‌توان پیش‌بینی نمود که عمده‌ترین کاربرد عملیاتی را، ابزارهای اعتباری به خود اختصاص خواهند داد.

بطور کلی در پانزده سال گذشته، منتهی به سال ۱۳۷۸ و به خصوص در چهار سال انتهائی دورهٔ مورد بررسی، با افزایش مؤسسات مالی و اعتباری و نیز زمینه‌سازی برای آزادسازی بانکهای خصوصی، ابزارهای رقابتی در سیستم بانکی نیز توسعه یافته، در حالی که نقش ابزارهائی که کارآئی کمتری در بازار پول و سرمایه دارند، به تدریج در حال کاهش است.[۲۹]

نمودار ۳ـ ترکیب تسهیلات اعطایی بانکها به بخش غیردولتی

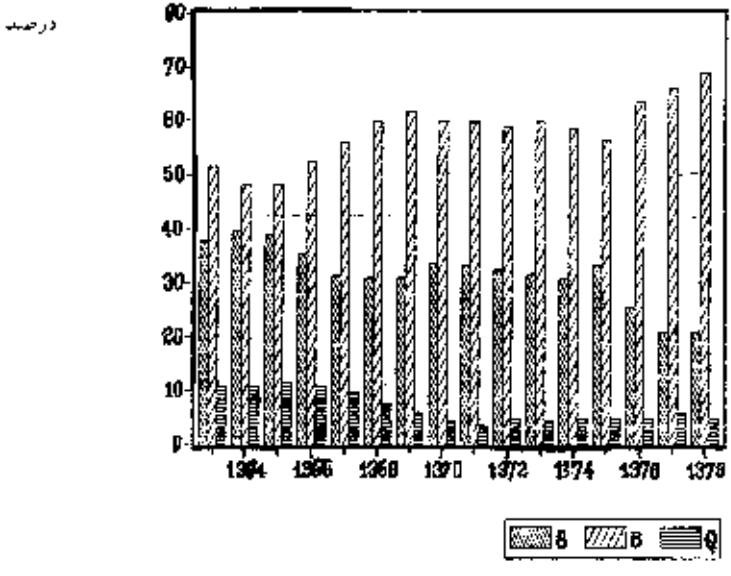

در نمودار شماره ۳، برای مقایسه بهتر، تسهیلات مبتنی‌بر ابزارهای مشارکتی مثل مشارکت مدنی، مضاربه و... را با (S)، تسهیلات مبتنی‌بر ابزارهای اعتباری مثل خرید دین، معاملات سلف و... را با (B) و تنها تسهیلات مبتنی‌بر ابزار بدهی، یعنی

www.SID.ir

Archive of SID

قرض‌الحسنه را با (Q) نمایش داده‌ایم.

توجه به عملکرد پانزده ساله سیستم بانکی تا سال ۱۳۷۸ و به خصوص عملکرد سالهای پایانی، روند معنی‌داری را مطرح می‌سازد که در نمودار ۴ با وضوح بیشتری نشان داده شده‌است.

نمودار ۴ـ ترکیب مانده تسهیلات اعطائی بانکها به بخش غیردولتی

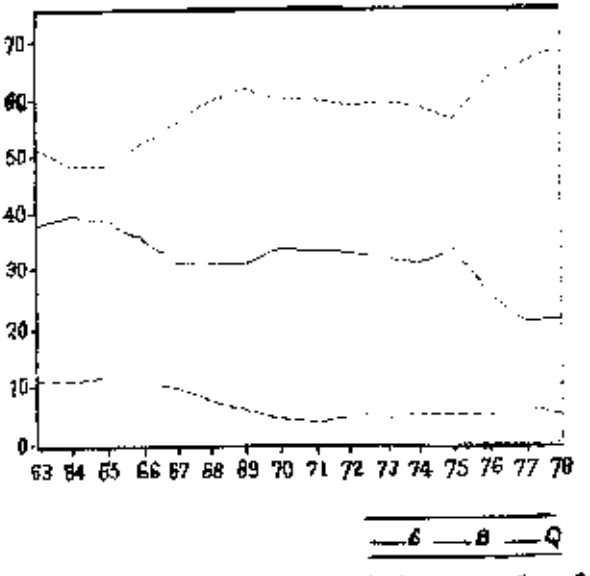

همانگونه که در نمودار ۴، مشاهده می‌شود، در ابتدای سالهای اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا (بهره)، نسبت تسهیلات قابل کنترل از طریق ابزارهای اعتباری، تقریباً معادل تسهیلات قابل کنترل از طریق ابزارهای مالی بدهی و مشارکتی بوده‌است.

این وضعیت در طول سالهای بعد از اجرای قانون و با آزادسازی تدریجی بازارهای پولی و مالی به نفع توسعه تسهیلات مبتنی‌بر ابزارهای اعتباری صورت گرفته‌است، بطوری که می‌توان مشاهده نمود در سالهای پایانی بررسی، مثلاً سال ۱۳۷۸، نسبت ابزارهای اولیه به ابزارهای ثانویه که قبلاً تقریباً یک برابر بود، به تقریباً

www.SID.ir

Archive of SID

سه برابر افزایش یافته‌است. این وضعیت را می‌توان همچنین در نمودار ۵ مورد ملاحظه قرار داد:[۳۰]

نمودار ۵ـ مقایسه تأثیر عملی ابزارهای مالی بعد از اجرای قانون

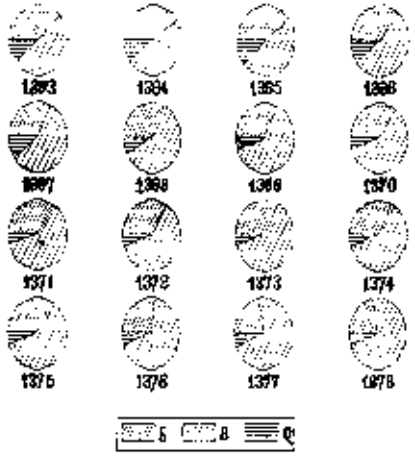

طبق نمودار ۵، در چهار سال اول اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا (بهره) وضعیت تسهیلات قابل کنترل از طریق ابزارهای اعتباری، یعنی نرخ بهرهٔ قطعی، تقریباً معادل سایر تسهیلات بوده‌است. لیکن از سالهای ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۸ به تدریج تسهیلات مبتنی‌بر ابزارهای اعتباری نسبت به تسهیلات مبتنی‌بر سایر ابزارها پیشی گرفته و به تدریج افزایش یافته و ابزارهای مبتنی‌بر قرض (Q) و شرکت (S) بطور نسبی کاهش یافته‌است. بطوری که در سالهای پایانی بررسی سهم تسهیلات مبتنی‌بر ابزارهای بدهی و ابزارهای مشارکتی، فقط ۲۵ درصد کل تسهیلات اعطائی را به خود اختصاص داده است.

روند پیش‌گفته نشان می‌دهد که سیستم بانکی و مردم در عملیات بانکی متمایل به استفاده از تسهیلات مبتنی‌بر ابزارهای شفاف و مشخص رقابتی هستند و این روند باتوجه به خصوصی‌سازی و خصوصی‌گرائی سیستم مالی، می‌تواند نه‌تنها بر کارائی سیستم بانکی تأثیر مثبتی داشته باشد، بلکه ارتباط عملیاتی با سیستم بانکداری و

www.SID.ir

Archive of SID

مالی بین‌المللی نیز از این طریق تسهیل خواهدشد. در واقع با تأکید و نظارت بیشتر بر نرخ سود قطعی یا نرخ بهرهٔ اعتباری بانکها، البته در صورتی که کار کارشناسی برای استانداردسازی آن صورت گیرد، می‌توان علاوه‌بر تقویت رقابت بین بانکی، ارتباط عملیاتی بین کشورهای اسلامی و نیز ارتباط قابل پذیرش را با شبکه بین‌المللی بانکی برقرار کرد.

مدل اقتصادسنجی

در یک مدل اقتصادسنجی، کوشش شد تأثیر هر یک از ابزارهای بدهی (Q) ابزارهای اعتباری (B) و ابزارهای مشارکتی (S) را بر اثربخشی[1] و کارائی[2] سیستم مالی محاسبه نمائیم بطوری که این سنجش، می‌تواند قدرت پاسخگویی هر یک از ابزارها را در رقابت با سیستم مالی جهانی مورد ارزیابی قرار دهد. البته در مورد اثربخشی و کارائی سیستم مالی تعاریف متفاوتی ارائه شده‌است، لیکن باتوجه به اینکه دراین مطالعه کارایی و اثربخشی بالقوه سیستم مالی مورد توجه است، نسبت مانده تسهیلات سیستم بانکی به درآمد ناخالص داخلی را به‌عنوان کارائی بالقوه (FG) و نسبت مانده تسهیلات غیردولتی را به مانده کل تسهیلات، به‌عنوان اثربخشی بالقوه (FT) در نظر گرفتیم.

اگرچه کارائی و اثربخشی واقعی باتوجه به وجود تسهیلات تکلیفی در سطحی بسیار پایین برآورد می‌گردد. لیکن باتوجه به اینکه در این مطالعه صرفاً مقایسه ابزارهای مختلف مالی و رقابت‌پذیری آن در فرایند جهانی شدن مطرح می‌باشد، نتایج مدل به صورت زیر تأمین گردیده‌است:

۱ـ نقش ابزارهای مالی بر اثربخشی عملیات مالی

همانطور که در ضمیمهٔ شماره ۱ مشاهده می‌شود، ابزارهای مالی پیش گفته به

1- Effectiveness 2- Efficiency

www.SID.ir

Archive of SID

جز قرض‌الحسنه، بر اثربخشی مالی، تأثیر مثبتی داشته‌اند بطوری که

$$FT = -۳۰/۴ - S + ۱/۴B - ۰/۰۰۲Q + ۰/۴۹FT(-۱)$$

$$R^2=۰/۸۶ \quad DW=۱/۴ \quad F=۱۵/۴$$

طبق رگرسیون فوق، ارتباط بین ابزارهای بدهی، یعنی تسهیلات قرض‌الحسنه و اثربخشی کاملاً بی‌معنی است و در مقابل مهمترین عاملی که روی اثربخشی مالی تأثیر گذاشته ابزارهای اعتباری بوده‌است و این در حالی است که ابزارهای مشارکتی، اگرچه بر اثربخشی، مؤثر بوده، لیکن باتوجه به نتایج اقتصادسنجی باید آن را در درجه دوم اهمیت تلقی نمود.

بنابراین به نظر می‌رسد که در واکنش به رقابت‌پذیری جهانی در زمینه مالی، لازم است که مؤسسات مالی و بانکها، هرچه سریعتر براساس ابزارهای اعتباری استاندارد شده مجهز گردند تا بتوانند در این عملیات تجربه بیشتری کسب کنند و از روشهای فن‌آورانه و مورد تأیید به نحو فراگیری استفاده نمایند.

۲ـ نقش ابزارهای مالی در ارتقاء کارایی

طبق نتایج آزمون مرتبط با ضمیمهٔ شماره ۲، ابزارهای مالی اعتباری، بدهی و مشارکتی به ترتیب تأثیرات مثبتی را بر کارائی بالقوه سیستم مالی داشته است. البته در این حالت نیز در صورتی که کارائی واقعی و بالفعل مورد محاسبه قرار گیرد، باتوجه به اینکه تسهیلات قرض‌الحسنه از نرخ سود مورد انتظار نزدیک به صفر برخوردار است، همچنان نقشی در کارائی واقعی سیستم بانکی نخواهدداشت و تنها ابزارهای اعتباری و ابزارهای مشارکتی را برای مقابله با فرایند جهانی، باید مورد ارزیابی بیشتر قرار داد.

در این حال همانطور که مشاهده می‌شود در صورتی که نسبت مانده تسهیلات سیستم بانکی به بخش غیردولتی به درآمد ناخالص داخلی، یعنی (FG) را به‌عنوان متغیر وابسته و تسهیلات مبتنی‌بر ابزارهای مشارکتی، اعتباری و بدهی را به ترتیب S،

www.SID.ir

Archive of SID

B و Q قلمداد نمائیم، رابطه رگرسیونی بین متغیر وابسته و متغیرهای مستقل به صورت زیر است:

$$FG = \quad ۱۸۴ - ۱/۸S - ۲/۳B + ۲/۱Q + ۰/۴FG(-۱)$$
$$R^{۲} - ۰/۹۲ \qquad D.W = ۲/۳۷ \qquad F - ۲۸/۸$$

در این حال نیز مشاهده می‌شود که نقش ابزارهای اعتباری بر کارائی بالقوه سیستم مالی بیشتر است، در حالی که ابزارهای مشارکتی نیز پس از ابزارهای اعتباری نقش قابل قبولی در کارائی مالی داشته‌است. به طور کلی فرایند جهانی شدن، ضرورت توجه به استانداردهای مؤثر و ایجاد فضای رقابتی برای شکوفایی این ابزارها را اجتناب‌ناپذیر می‌نماید. بدیهی است اقداماتی مثل ادغام مراکز مالی و یا سرمایه‌گذاری‌های فزآورانه در جریان جهانی شدن، ممکن است کارساز باشد، لیکن باید توجه داشت که همه اقدامات پیشگیرانه را باید با ایجاد یک فضای سالم رقابتی تأمین نمود. با ایجاد و تقویت بخش خصوصی و توسعه استانداردهای رقابت‌ناپذیر مالی، اولویت هرگونه سرمایه‌گذاری یا ادغام و یا هر اقدام دیگر، به طور شفاف مشخص خواهدگردید.

در صورتی که بتوان وضعیت رقابتی را براساس مدیریتی پیگیر به ثمر رساند، منافع آن به سود سیستم بانکی، صنایع ملی، سپرده‌گذاران و نهایتاً موازنهٔ ارزی کشور خواهدبود بطوری که:

۱ـ با استانداردسازی نرخ بهرهٔ اعتباری و امکان افزایش شرایط رقابتی، بانکهای خصوصی و نتیجتاً بانکهای دولتی به تدریج ناچار به قبول اصل شایسته‌سالاری، یعنی حل مهمترین و دردناکترین معضل سیستم، خواهندشد.

امروزه ثابت گردیده که صرفاً با نصیحت یا با انتخاب فردی مصلح در رأس مثلاً یک سازمان، نمی‌توان شایسته‌سالاری را شکل داد مگر اینکه ضوابطی استاندارد، عملکردها را ارزیابی و متقابلاً پاداش مادی و معنوی را منوط به روند بهره‌وری واقعی

www.SID.ir

Archive of SID

بنماید. یکسان‌سازی، همزمان با توسعه شرایط رقابتی، خود به خود منافع را به طرف بانکهائی سوق خواهد داد که از سازمان و مدیریت منطقی‌تری برخوردار می‌باشند.

۲ـ زمانی که کارائی در سطح سیستم بانکی و مالی جامعه پایین باشد، اقدام مستقیم صنایع برای تأمین مالی در کوتاه‌مدت مقرون به صرفه خواهدبود. این وضعیت متقابلاً بهره‌وری در سیستم بانکی را تحت‌الشعاع قرار خواهدداد و در عین حال صنایع ملی نه‌تنها هزینه بالائی را برای تأمین مالی در بلندمدت باید پرداخت نمایند، بلکه تأمین این منابع در بلندمدت منجر به افزایش قیمت، کاهش کیفیت و بنابراین رشد مخاطره اقتصادی خواهدشد به نحوی که علاوه‌بر سوق دادن عملیات تخصصی به طرف عملیات مالی، باعث می‌شود، صنایع با بحرانهای اقتصادی حساب نشده‌ای مواجه گردند، در حالی که حرکت به طرف رقابت مالی و بانکی، و رعایت اصل تقسیم کار منجر به افزایش ارزش افزوده برای طرفین خواهدشد و منافع صنایع ملی بیش از پیش محافظت خواهدگردید.

۳ـ در صورتی که بانکها تحت‌تأثیر شرایط رقابتی از کارائی بالایی برخوردار شوند، انگیزه سپرده‌گذاران برای ورود به بازارهای مالی زیرزمینی کاهش خواهدیافت. زیرا سپرده‌گذار همواره به دنبال حفظ ارزش و ایجاد بازدهی معقولی برای منابع پس‌انداز خود می‌باشد. رقابت بین بانکی به سپرده‌گذار این فرصت را خواهدداد تا منابع خود را در کاراترین مؤسسه یا سازمان سپرده‌پذیر، قرار دهد.

۴ـ عدم وجود رقابت مالی و بین بانکی منجر به ایجاد فرصتهائی برای رانت‌خواری است و رانت‌خواری تهدیدی برای موازنهٔ ارزی کشور محسوب می‌شود. زمانی که رقابت بین بانکی منجر به کاهش کارائی بانکها می‌شود، برای رانت‌خواری که فرصت بهره‌برداری از منابع ارزان قیمت بانکی را پیدا نموده‌است، سرمایه‌گذاری در رانت‌آورترین بخش اقتصادی، یعنی قاچاق یا مونتاژ و یا انتقال سرمایه به خارج تدریجاً و بطور غیرمستقیم فراهم خواهدشد و مسلماً باتوجه به بالابودن کیفیت صنایع خارجی، خود به خود ما با رونق واردات و کسادی صادرات و خروج سرمایه از

www.SID.ir

Archive of SID

کشور مواجه خواهیم‌بود.

رقابت مالی و بانکی علاوه‌بر اولویت‌یابی سرمایه‌گذاری، امکان می‌دهد که نرخ بهره یا نرخ سود استاندارد شدهٔ بانکهای داخلی در موازنه با نرخ بهره در بانکهای خارجی قرار گیرد و در این صورت با فرض مساعدت سایر عوامل، انگیزه خروج سرمایه نیز از بین خواهد رفت. در این صورت می‌توان حتی امیدوار بود که با ایجاد انگیزه‌هایی مناسب شاهد ورود سرمایه خارجی و بهبود وضع اشتغال و تولید باشیم.[۳۱]

www.SID.ir

Archive of SID

ضمائم:

LS // Dependent Variable is FT
Date: 1-31-1981 / Time: 14:22
SMPL range: 1364 - 1378
Number of observations: 15

VARIABLE	COEFFICIENT	STD. ERROR	T-STAT.	2-TAIL SIG.
C	-90.401217	63.706205	-1.4190331	0.1863
S	1.0351658	0.4850278	2.1342403	0.0586
R	1.3959533	0.6479092	2.1545508	0.0566
Q	-0.0015051	0.8861174	-0.0016986	0.9987
FT(-1)	0.4897818	0.2543459	1.9256524	0.0830

R-squared	0.860023	Mean of dependent var	44.80000
Adjusted R-squared	0.804033	S.D. of dependent var	5.882176
S.E. of regression	2.603933	Sum of squared resid	67.80466
Log likelihood	-32.59843	F-statistic	15.36013
Durbin-Watson stat	1.373116	Prob(F-statistic)	0.000285

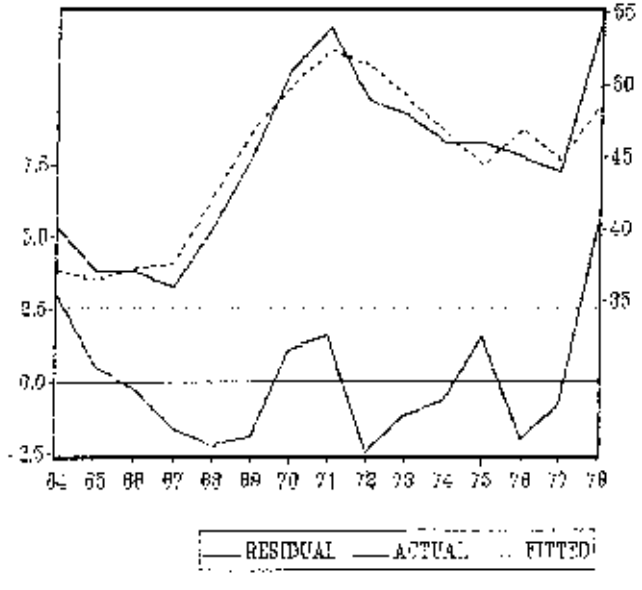

www.SID.ir

Archive of SID

LS // Dependent Variable is FG
Date: 1/31/1981 / Time: 14:24
SMPL range: 1364 - 1378
Number of observations: 15

VARIABLE	COEFFICIENT	STD. ERROR	T-STAT.	2-TAIL SIG.
C	-184.01553	52.792837	-3.4856156	0.0059
S	1.8129565	0.6155968	2.9450392	0.0147
R	2.7614265	0.6265836	3.6091378	0.0048
Q	2.1573395	0.4763947	4.5284710	0.0011
FG(-1)	0.4126039	0.2108940	1.9565853	0.0789

R-squared	0.920196	Mean of dependent var	31.46667
Adjusted R-squared	0.888274	S.D. of dependent var	5.166743
S.E. of regression	1.727004	Sum of squared resid	29.82543
Log likelihood	-26.43891	F-statistic	28.82673
Durbin-Watson stat	2.379820	Prob(F-statistic)	0.000018

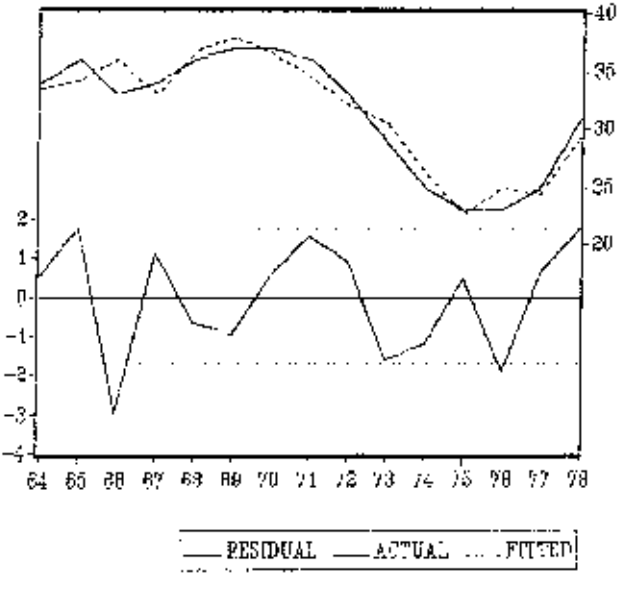

www.SID.ir

Archive of SID

فهرست منابع:

۱ـ «پایان تاریخ و بحران اعتماد»، اطلاعات سیاسی ـ اقتصادی، مهر و آبان ۱۳۷۴، تهران.

۲ـ بنیل سلیمان، «نکوین جهانی شدن»، ترجمه یوسف عزیزی بنی‌طرف، روزنامه همشهری، شماره ۲۲۶۳، ۱۳۷۹، تهران.

۳ـ صدقی، دکتر عباس، «اصول بانکداری»، دانشگاه تهران، ۱۳۵۰، و همچنین «تاریخچه سی ساله بانک ملی ایران»، چاپخانه بانک ملی، تهران: ۱۳۳۸.

4- Paper Standard

5- Bretton Woods Conference

6- Electronic Funds Transfer

۷ـ حشمتی، حسین، «بانکداری اسلامی در آستانه فن‌آوری الکترونیک»، فصلنامه بانک صادرات، شماره ۱۷، ۱۳۸۰، تهران.

8- Flomnery, M.J. and Jaltee. D.M. 1973 "The Economics Implications of an Electronic Monetary Transfer System, *Lex Books*.

9 Philips, A., *Implication of New Payments Technology. In Edwards*. 1979

10- "Federal Reserve Bank of Boston," *The Economic of a National Electronic Funds...* F.R.B. of Boston. 1974.

11 Baker and Brander, *the Law of Electronic Funds Transfer*, 1988.

12- The Accounting and Auditing for Islamic Financial Institution.

13 Islamic Development Bank.

14- International Monetary Fund.

15 Financial Service Board.

۱۶ـ «پیام بانک‌ها»، هفته‌نامه اقتصادی، پولی و بانکی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، هفته دوم اسفند ۱۳۷۹، شماره ۲۸۵.

۱۷ـ منظور از کلمه سنتی در این بحث اشاره به فلسفه فکری قبل از اسلام است.

۱۸ـ ارسطو، سیاست، ترجمه دکتر حمید عنایت، (تهران، ۱۳۶۴).

۱۹ـ همان، نکوهش شدید ارسطو نسبت به رباخواری تحت‌تاثیر تحولات در یونان، آتن را به صورت یکی از مراکز عمده بازرگانی و مالی در جهان آن روز درآورده‌بود.

۲۰ـ همان.

www.SID.ir

Archive of SID

۲۱ـ ابوحامد امام محمد غزالی، احیاء علوم‌الدین، باب الشکر، چاپ بیروت، دارالمعارف، (قاهره، مکتبةالتجارة، ۱۳۵۸ هـ ق).

22- Fisher, I., *The Theory of Interest*, (Mac.Millan, N.Y., 1930).

۲۳ـ اقبال فریشی، انوار، اسلام و نظریه بهره، ترجمه گروه پژوهش‌های اقتصاد اسلامی، (تهران: ۱۳۶۶).

۲۴ـ همان.

۲۵ـ یوجین ا. دیولیو، پول و بانکداری، نظریه و مسائل، ترجمه حسین حشمتی مولائی، مؤسسه عالی بانکداری ایران، (تهران: ۱۳۷۴).

26- Eric L. Kohler, *A Dictionary for Accountants*, Third Edition, Prentice-Hall, Inc., 1963.

۲۷ـ آئین‌نامه اجرای سهم هیئت وزیران و دستورالعمل مصوب جلسه چهارصد و هفتاد و یکمین، مورخ ۶۱/۸/۲۶ شورای پول و اعتبار.

۲۸ـ برای اطلاعات بیشتر مراجعه کنید به: حسن‌بن یوسف علامه حلی، تبصره المتعلمین فی احکام‌الدین، چاپ احمد حسینی و هادی یوسفی، (بیروت: ۱۴۰۴/۱۹۸۴).

۲۹ـ گزارشهای اقتصادی و ترازنامه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، سالهای مورد بررسی.

۳۰ـ همان، سالهای ۱۳۶۳ تا ۱۳۷۸.

۳۱ـ برخی نتایج و مطالب این مقاله، قبلاً توسط نویسنده در محافل علمی و بانکی طرح و ارائه گردیده‌است.

www.SID.ir